

نشاط و سرزندگی در شهر به کمک طراحی شهری

دکتر کوروش گلکار / دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی - دانشگاه شهید بهشتی

ژوئیه ۱۳۹۸ / فصلنامه علمی و مطالعات فرهنگی

مقدمه:

در این خصوص از سال ۱۹۸۱ با انتشار اثر کلاسیک داندل اپلارد^۲ مطرح گردیده است، عمدتاً حول مفهوم Livability و بعضاً Liveliness می باشد که برابر نهاده فارسی آن سرزندگی شهری است .

رابرت کوآن در دیکشنری شهرسازی، سرزندگی (Livability) را "مناسب برای زندگی و فراهم آورنده کیفیت زندگی مطلوب" تعریف می کند.^۴ جان روس (رئیس کمیسیون معماری و محیط مصنوع انگلستان) معتقد است برای ارجاع به "سرزندگی" باید به جای استفاده از واژه (Livability) از واژه "کیفیت زندگی" (Quality of Life) استفاده نمود. وی سرزندگی را "کیفیت زندگی بدانگونه که توسط مردم در فضای شهری ادراک و تجربه می شود" تعریف می کند.^۵

سقراط در قرن پنجم پیش از میلاد گفته است:^۱ "هدف اصلی از ایجاد شهر تامین نشاط و خوشبختی شهروندان است"

این گفته سقراط رابطه دیرین و مستحکم میان دو مفهوم "شهر" و "نشاط و سرزندگی" را به خوبی نشان می دهد. بر مبنای چنین دیدگاهی اساساً شهر به مثابه دستگاه، وسیله یا مرکبی برای نیل به شادی، نشاط و سرزندگی تلقی می گردد.

فرهنگ فارسی عمید، واژه "نشاط" را شادمانی کردن، سبکی و چالاکي، شادی، خوشی و خوشحالی تعریف می کند.^۲ منبع مزبور برای واژه "سرزندگی" نیز تعاریف نسبتاً مشابهی ارائه می نماید. با این وجود آنچه در ادبیات تخصصی طراحی شهری



۱- سرزندگی شهری چیست؟

سرزندگی یکی از مولفه‌های سازنده کیفیت کلی طراحی شهری یک محیط است. به عبارت دیگر "سرزندگی" به همراه شانزده کیفیت دیگر، یعنی کیفیت‌های **خوانایی**، **شخصیت بصری**، **حسن زمان**، **غنای حسی**، **زنگ تعلق**، **آموزندگی**، **نفوذپذیری و حرکت**، **اختلاط کاربری و فرم**، **همه شمول بودن**، **کیفیت عرصه همگانی**، **آسایش اقلیمی**، **ایمنی و امنیت**، **انعطاف پذیری**، **همسازی با طبیعت**، **انرژی - کارآیی و پاکیزگی محیطی**، پدیده‌ای به نام کیفیت طراحی شهری را می‌آفریند، از این رو سرزندگی را می‌توان در دو سطح خرد و کلان تعریف نمود.

سرزندگی در سطح خرد به مفهوم تنوع فعالیت‌ها در عرصه همگانی و سازگاری آن با فضاهای شهری در چارچوب نظامی از قرارگاه‌های رفتاری می‌باشد. چنانچه از طبقه بندی فعالیتی "یان گهل" استفاده کنیم می‌توانیم محیط‌هایی را سرزنده بنامیم که در آن فعالیت‌های "اختیاری" و "اجتماعی" در دامنه نسبتاً گسترده‌ای از زمان جریان دارد. در این حالت برخی از شاخص‌های شناسایی محیط‌های سرزنده شامل میزان تراکم افراد پیاده در محل، تعداد، تنوع و ماهیت قرارگاه‌های رفتاری موجود / وجود فعالیت‌های موسمی / آهنگ و سرعت شهری / تنوع استفاده کنندگان (زن، مرد، پیر، جوان، کودک، معلول و ...) / تنوع فرم و رنگ در منظر شهری / و ... غیره می‌شود.

معهدا ارایه تعریف جامع از سرزندگی، مستلزم در نظر گرفتن روابط این کیفیت و دیگر کیفیت‌های محیط شهری است. در سطح کلان می‌توان سرزندگی را مشخصه شهری که با مجموعه‌ای از کیفیت‌های کالبدی، غیرکالبدی و سیستم‌های سازمانی امکان زندگی سعادت‌مندان شهروندان را فراهم می‌آورد، تعریف کرد. در واقع مولفه‌های کیفی هفده گانه (نظیر سرزندگی، خوانایی، نفوذپذیری و ...) عناوینی هستند که به طور اعتباری برای اطلاق به پدیده‌ای واحد به نام "کیفیت طراحی شهری" جعل شده‌اند، و از این رو هر یک از کیفیت‌های مزبور در برگیرنده کلیه کیفیت‌های دیگر نیز می‌شود. به بیان دیگر تعریف جامع

امروزه به دلایل گوناگون تامین نشاط، شادی و سرزندگی شهری به یکی از دغدغه‌های اصلی نظام‌های مدیریت شهری به ویژه در کشورهای توسعه یافته تبدیل گردیده است. تامین سرزندگی شهری به مثابه یک آرمان مشروع، در صدر بسیاری از اسناد رسمی شهرسازی به چشم می‌خورد که خود برخاسته از اهمیت سرزندگی شهر توأما به مثابه یک هدف و یک وسیله است. به عبارت دیگر در کنار اهمیت سرزندگی به مثابه یک غایت و هدف، امروزه در شرایط رقابت جهانی شهرها جهت کسب سهم بیشتر از سرمایه‌ها، استعدادها و توجه جامعه بین‌المللی، سرزندگی شهری به عنوان ابزار موثری جهت ارتقاء توان رقابتی شهرها در تحقق چشم انداز مطلوب آنها تلقی می‌شود.

اندیشیدن در باب سرزندگی شهرها، لاجرم پرسش‌ها و دغدغه‌های متعددی را در ذهن متبادر می‌نماید. از جمله اینکه: آیا ویژگی‌های مثبت و کیفیت‌های برتر فضایی - کالبدی یک شهر جبرا" به ایجاد نشاط و سرزندگی منجر می‌شود؟ و اساسا چه نسبتی میان کیفیت طراحی شهری یک شهر و نیل به سرزندگی شهری وجود دارد؟

شهر، فرصت‌های گوناگونی را برای تجربه شادی و نشاط می‌تواند در اختیار شهروندانش قرار دهد. تجربه نشاط در یک شهر بازی، در یک استادیوم ورزشی، در یک تاتر کمدی، در یک کنسرت موسیقی و یا در یک جشنواره خیابانی و مراسم آتش بازی طیفی از تجارت نشاط انگیز و در عین حال متفاوت را نمایندگی می‌کند. می‌توان پرسش کرد که آیا اساساً ممکن و در صورت امکان مفید است که نوع خاصی از نشاط و سرزندگی را در کلیت شهر تسری داد؟ به بیان دیگر آیا می‌توان مثلاً نشاط و سرزندگی یک شهر بازی (تم پارک) را عیناً در تمامیت یک شهر گسترش داد، بی آنکه مفهوم "شهر دچار فروپاشی گردد؟

این گونه به نظر می‌رسد که می‌توان از طیفی از تجارب متنوع نشاط و شادی شهری سخن گفت که در قطبی از آن شادی سطحی و گذرا و در قطبی دیگر شادی عمیق و ماندگار قرار دارد. به بیان دیگر، می‌توان در مقابل "نشاط زودگذر" از "سرزندگی پایدار شهری" Livability سخن گفت. در این نوشتار به ۲ پرسش اساسی پرداخته خواهد شد:

۱- سرزندگی چیست؟ حالت وجودی آن چیست؟ مولفه‌های

کالبدی و غیرکالبدی آن کدام است؟ (بعدها هوی موضوع)

۲- سرزندگی شهری چگونه خلق و مدیریت می‌شود؟ (بعد

رویه‌ای موضوع)

در گزارش حاضر تلاش خواهد شد تا با استفاده از دانش طراحی شهری یک چارچوب مفهومی مقدماتی جهت درک، توصیف و تبیین سرزندگی شهر به مثابه یک پدیدار اجتماعی - فضایی ارائه گردد.

این دیدگاه به "امکان گرایی محیطی" موسوم است و بر مبنای آن هندسه محیط فاقد اهمیت تلقی شده و تنها ویژگی‌های روانشناختی و موقعیت اجتماعی - اقتصادی ناظر است که محیطی را به عنوان محیط سرزنده و محیط دیگری را و یا همان محیط را در زمانی دیگر به عنوان محیطی افسرده طبقه بندی می‌نماید.

دیدگاه سوم: بر مبنای این دیدگاه، سرزندگی شهری "پدیده‌ای" (Phenomenon) ادراکی - شناختی است که در جریان فرایند داد و ستد میان خصوصیات کالبدی و قابل ادراک شهر از یک سو و الگوها و رمزهای فرهنگی، توانایی‌های ذهنی، تجارب قبلی و اهداف ناظر از سوی دیگر شکل می‌گیرد. این دیدگاه از دهه ۱۹۹۰ میلادی بر مسئله "تجربه انسانی" فضای شهری تاکید دارد و کیفیت طراحی شهری، از جمله سرزندگی را در رابطه با "تجربه و ادراک" انسان تعریف و ارزیابی می‌کند. براساس این دیدگاه که به "احتمال گرایی محیطی" و یا رویکرد تعاملی (Transactionalist) موسوم است، ابتدا محیط شهری خصوصیات و صفات کالبدی خود را در معرض دید و ارزیابی حواس ناظر قرار می‌دهد و سپس ناظر از آن محیط دریافت‌های گوناگون به عمل آورده و نهایتاً آن را مورد ارزیابی و قضاوت قرار می‌دهد و صفت سرزندگی را به محیط الصاق می‌نماید.

۳- سرزندگی شهری را چگونه می‌توان سنجید؟

برای سنجش سرزندگی شهری روش‌ها و شاخص‌های اندازه گیری متعددی پیشنهاد شده است. به طور مثال موسسه معتبر "واحد اطلاعات اکونومیست" (EIU) متدلوژی مشخصی را تحت عنوان "رتبه بندی سرزندگی" (Livability Ranking) (تدوین نموده است که بر مبنای آن شاخص دشواری زندگی (Hardship) برای هر شهر محاسبه می‌گردد. در متدلوژی مزبور حدود چهار شاخص مختلف در مورد پنج مقوله متفاوت زندگی شهری، یعنی ۱- ثبات و امنیت ۲- مراقبت‌های بهداشتی ۳- فرهنگ و محیط ۴- آموزش و ۵- زیرساخت‌های شهری مورد



"سرزندگی" را می‌توان معادل تعریف کلیت "کیفیت طراحی شهری" دانست. چرا که شهر نمی‌تواند سرزنده باشد هنگامی که از ضعف ایمنی و امنیت رنج می‌برد، هنگامی که بافت‌های شهر خوانا نیستند، هنگامی که در فرد تجارب حسی غنی ایجاد نمی‌کند. هنگامی که همه شمول نبوده و پذیرای همه گروه‌های جمعیتی از پیر و جوان و زن و مرد و سالم و معلول نیست، هنگامی که آسایش اقلیمی در فضاهای شهری اش تامین نگردیده، هنگامی که ترکیب کاربری‌ها و فعالیت‌ها مانع از شکل گیری تحرک و جنب و جوش می‌شود و... غیره. از این رو می‌توان گفت سرزندگی شهری توأماً علت و معلول دیگر کیفیت‌های طراحی شهری (یعنی شانزده کیفیت دیگر) می‌باشد.

۲- حالت وجودی سرزندگی چیست؟

در مورد کیفیت سرزندگی شهری این پرسش را می‌توان مطرح کرد که آیا این کیفیت در خود شهر وجود دارد و یا اینکه کیفیتی است که در شهروند وجود دارد یعنی اساساً توسط شهروند ساخته می‌شود. به بیان دیگر حالت وجودی (Mode of Existence) آن چیست؟ به طور کلی سه نوع تلقی متفاوت از حالت وجودی سرزندگی شهری می‌توان داشت که مسلماً پذیرش هر یک از دیدگاه‌های سه گانه مزبور، الزامات خاص خود را برای طراحان شهری به دنبال خواهد داشت.

دیدگاه نخست: بر مبنای این دیدگاه اساساً سرزندگی شهری صفت و کیفیتی است که در ذات محیط کالبدی و معماری، هستی داشته و به طور مستقل از ناظر وجود دارد. این دیدگاه به "جبریت محیطی" شهرت دارد و براساس آن محیط کالبدی مناسب جبراً به ایجاد سرزندگی شهری می‌انجامد.

دیدگاه دوم: بر مبنای این دیدگاه سرزندگی شهری، مقوله‌ای ذهنی و سلیقه‌ای است که کاملاً توسط ناظر ساخته می‌شود و هیچگونه ارتباطی با ساختار و خصوصیات محیط مصنوع ندارد.





می‌تواند محصول زنجیره‌ای از اقدامات منطقی، هماهنگ و برنامه-محور باشد. از این رو تامین آن در گرو جریان داشتن این اندیشه در کلیه سلسله مراتب طرح‌ها و برنامه‌های شهری است. به بیان دیگر اگر چه در مقیاس خرد مداخلات شهری، به طور مثال نصب پرچم‌های رنگارنگ، استفاده از آثار هنرهای همگانی نظیر تندیس، میورال و اینستالیشن، بهسازی پالت رنگی نمای خیابان‌ها و برگزاری کنسرت‌های خیابانی و مراسم آتش بازی می‌تواند به سرزندگی شهری کمک نماید لیکن چنانچه این اقدامات خرد در چارچوب کلان و راهبردی فرادست هماهنگ نشده باشند به موفقیت کافی در مأموریت خویش دست نخواهند یافت.

به بیان روشن‌تر، تامین سرزندگی شهری می‌بایست به عنوان یک دغدغه اساسی از بالاترین سطوح تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی شهری حضور داشته و تصمیمات خود را بر سیاست‌های گوناگون آن باقی‌گذارد و سپس در مراحل میانی در قالب پروژه‌هایی نظیر چارچوب طراحی شهری، دستور کار طراحی شهری و طرح‌های جامع سه بعدی به خود شکل عینی‌تر پذیرفته و زمینه را برای اقدامات عملی نظیر فعالیت‌هایی که معمولاً به زیباسازی شهر مشهور گردیده است در چارچوب "میکرو اوربن دیزاین"

(Micro urban design) بیانجامد. در این راستا، مسئله یکپارچگی نظام مدیریت شهری و هماهنگی عملیاتی اجزاء آن (نظیر حوزه معاونت شهرسازی، حوزه معاونت حمل و نقل و ترافیک، سازمان زیباسازی، سازمان پارک‌ها و غیره) یک ضرورت است.

توجه به مبحث سرزندگی شهری عملاً مستلزم آن است که امر "کیفیت"، که معمولاً به واسطه سیطره و هیاهوی مسایل "کمی" به حاشیه رانده شده است، مجدداً به دغدغه اصلی و هدف نخست تمامی برنامه‌ریزان و مدیران شهری بدل شود. لذا مطابق نتایج به عمل آمده از برخی پژوهش‌ها، لازم است که "فرایندهای تصمیم‌گیری کیفیت‌گرا" جایگزین "فرایندهای تصمیم‌گیری کمیت‌گرا" گردد. واقعیت این است که ابزارهای کنونی هدایت توسعه شهری در ایران، یعنی طرح‌های جامع و تفصیلی، قابلیت خلق پدیده‌ای

سنجش قرار می‌گیرد. در این متدولوژی، در مورد هر شهری به هر یک از شاخص‌ها مقادیری میان یک و پنج داده می‌شود و نهایتاً با ترکیب شاخص‌های مزبور یک شاخص کلی دشواری زندگی شهری استخراج می‌گردد که دامنه تغییرات آن میان صفردرصد و صددرصد است. مقدار صفردرصد در شاخص مزبور به این معنا است که شهر بسیار سرزنده است و مقدار صددرصد به این معنا است که شهر مورد مطالعه، غیرقابل تحمل می‌باشد. به طور مثال نتایج پیمایش موسسه مزبور در سال ۲۰۰۵ که در مورد ۱۲۷ شهر جهان صورت گرفته است، شاخص دشواری زندگی تهران را معادل ۰/۵۲ (رتبه ۱۱۹) و ضریب بهترین شهرهای جهان، یعنی ملبورن، ونکوور و وین را معادل ۰/۲ (رتبه اول) و شاخص دشواری برخی از شهرهای خاور میانه نظیر دوی ۰/۲۵ (رتبه ۶۹) و منامه در بحرین ۰/۲۷ (رتبه ۷۷) اعلان گردیده است.

در کنار شاخص موسسه اکونومیست نظام‌های دیگری نیز برای سنجش میزان سرزندگی شهرها وجود دارد که از آن جمله می‌توان به "شاخص کیفیت زندگی" که در پیمایش‌های شرکت "مشاور منابع انسانی مرسر" به کار برده می‌شود اشاره نمود. همچنین در مطالعه‌ای که توسط دانشگاه وست مینیستر انگلستان در سال ۱۹۹۸ به عمل آمده است مولفه‌های کیفیت زندگی به این ترتیب بدست آمده‌اند. ۱- پایین بودن جرائم و احساس وقوع جرم ۲- محیط پاکیزه و جذاب ۳- وجود فرصت‌های شغلی ۴- سلامتی ساکنین ۵- پایین بودن فقر ۶- شرایط مطلوب مسکن ۷- کیفیت آموزش و پرورش ۸- دسترسی مناسب به خدمات محلی ۹- وجود فعالیت‌های تفریحی و اجتماعی کافی ۱۰- الگوهای مصرف منطبق بر پایداری زیست محیطی. توضیح اینکه در تحقیق مزبور برای سنجش هر یک از مولفه‌های فوق، شاخص‌های معینی نیز پیشنهاد شده است.

۴- نتیجه‌گیری: سرزندگی شهری را چگونه می‌توان خلق و مدیریت نمود؟

چنانچه بر اساس یافته‌های نوین طراحی شهری، سرزندگی را منطبق بر دیدگاه سوم مطرح شده در این نوشتار به مثابه "پدیداری اجتماعی - فضایی" که در تعامل شهر و شهروند شکل می‌گیرد فرض نمائیم، آنگاه این کیفیت را نه به مثابه یک محصول (که بتوان آن را با اقدامی دفعی و یکباره تولید کرد) بلکه می‌بایست به مثابه فرایندی از آفرینش مستمر محسوب نمود که برای هدایت و کنترل آن نیازمند تدابیری از سنخ برنامه‌ریزی و مدیریت شهری راهبردی هستیم.

اساساً هیچ کیفیت مطلوب شهری، و از جمله سرزندگی، هرگز نمی‌تواند محصول یک پیشامد و اتفاق باشد. سرزندگی تنها

ابعاد حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی یک سیستم شهری مرتبط می‌باشد. بدیهی است که هیچ رشته و حرفه‌ای به تنهایی توانایی یا ادعای دانش و مهارت کافی جهت آفرینش چنین پدیده‌ای را ندارد معزاً هر یک از رشته‌ها و حرفه‌های زیمدخ در توسعه شهری می‌توانند و باید سهم خود را در این فرایند مشارکتی و میان-رشته‌ای ادا نمایند. در این میان دانش طراحی شهری به واسطه خصلت کیفیت‌گرا، میان رشته‌ای و اساساً بنا به فلسفه وجودی اش می‌تواند چارچوب لازم را برای همکاری هم‌هنگی متخصصین حوزه‌های علمی و هنری مختلف فراهم آورده و آنها را در آفرینش محیط‌های شهری سرزنده کمک نماید. ■

مرکب و پیچیده نظیر سرزندگی شهری را ندارند، از این رو ایجاد تحول اساسی در نظام برنامه ریزی و حرکت به سوی یک نظام "برنامه ریزی طراحی - محور"، که در ذات خود کیفیت‌گراست را باید پیش شرط لازم تامین سرزندگی پایدار شهری دانست.

در آفرینش کیفیت سرزندگی در شهر، نقش مشارکت شهروندان نقشی جوهری است چرا که در بحث نظری پیش گفته به فرایند شکل‌گیری سرزندگی در تعامل میان شهروند و شهر اشاره گردید. تعمیق تجربه حسی شهروندان از فضاهای شهری و امکان مداخله و شخصی نمودن فضاها که از آن به ایجاد "رنگ تعلق" نام برده می‌شود از جمله گام‌های اساسی در این راستا می‌باشد. نهایتاً باید عنوان کرد که سخن گفتن از سرزندگی شهری سخن گفتن از ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان است و لاجرم به کلیه

فهرست منابع:

عمید، حسن (۱۳۶۳) فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر.

Appleyard, D. (۱۹۸۱) *Livable Streets*, Berkeley, CA: University of California Press.

Cowan, R. (۲۰۰۵) *The Dictionary of Urbanism*, London: Streewise Press

Gehl, J. (۱۹۹۶) *Life Between Buildings: Using Public Space*, Third Edition, Copenhagen: Arkitektens Forlag.

Plato (۴۲۰BC) *The Republic*, bk. IV, , trans. by A.D. Lindsay, E.P. Dutton and Co., Inc. (۱۹۵۷)

Civilising Cities: The Contribution of Transport and Land Use, Feltham: RAC Foundation for Motoring and The Environment.

University of Westminster Transport Studies Group (۱۹۹۸)

www.eiu.com

www.mercerhr.com /quality of living

1-Socrates:

"Our purpose in founding the city is not to make any one class in it surpassingly happy, but to make the city as a whole as happy as possible."

Socrates (469-399 B.C.), Athenian philosopher. *The Republic*, Plato, bk. IV, I.420b, trans. by A.D. Lindsay, E.P. Dutton and Co., Inc. (1957)

عمید (۱۳۶۳) فرهنگ فارسی عمید، ص ۱۲۰۹-۲

۲-Appleyard, D. , (1981) *Livable Streets*, Berkeley, CA: University of California Press

۴- Cowan, R. (2005) *The Dictionary of Urbanism*, London: Streewise Press, P.221

۵-Ibid

۶-

گلکار، کورش (۱۳۷۸) *کندوکاوی در تعریف طراحی شهری*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، وزارت مسکن و شهرسازی

گلکار، کورش (۱۳۷۹) *مؤلفه های سازنده کیفیت طراحی شهری*، نشریه علمی- پژوهشی صفا، شماره ۳۲، صص ۶۵-۳۸

گلکار، کورش (۱۳۸۵) *مناسب سازی تکنیک تحلیلی سوات (SWOT) برای کاربرد در طراحی شهری*، نشریه علمی- پژوهشی صفا، شماره ۴۱

۷- Gehl, J. (1996) *Life Between Buildings: Using Public Space*, Third Edition, Copenhagen: Arkitektens Forlag.

۸-www.eiu.com

۹-www.mercerhr.com /quality of living (visited in sept. 2006)

۱۰-University of Westminster Transport Studies Group (1998) *Civilising Cities:*

The Contribution of Transport and Land Use, Feltham: RAC Foundation for Motoring and The Environment.